

قرائت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی نهادهای اخلاقی در جوامع مدرن

* رضا ملازاده یامچی

** میثم شعیب

DOI: 10.22096/rc.2025.2057340.1250

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱]

چکیده

جهان معاصر همراه پیشرفت‌های فناورانه با بحران‌های عمیق اخلاقی و معضلات عدالت اجتماعی مواجه است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با ارائه «خوانش تمدنی» نشان می‌دهد که وصایای عشر (انعام، آیات ۱۵۱-۱۵۳) نه مجموعه‌ای از احکام اخلاقی فردی، بلکه منشوری تمدن‌ساز منسجم با ارکانی مشخص برای مواجهه با این بحران‌ها هستند. یافته‌ها این منشور را نظامی توحیدمحور معرفی می‌کند که ارکان کلیدی جامعه‌ای سالم را از راه بازسازی نهاد خانواده در برابر فردگرایی (با تأکید بر احسان به والدین و حرمت قتل اولاد)، استقرار عدالت اقتصادی و قضایی در پاسخ به فساد (با محوریت حفظ مال یتیم، ایفاء کیل و میزان و عدالت در قول) و تحکیم امنیت اخلاقی و جانی در تقابل با نسبی‌گرایی (از طریق اجتناب از فواحش و حرمت قتل نفس) بنیان می‌نهد. این نظام همچنین با تأکید بر «وفای به عهدالله» به تقویت قرارداد اجتماعی می‌پردازد و با ارائه اصل «صراط مستقیم»، راهکاری برای وحدت در برابر تفرقه‌های ایدئولوژیک عرضه می‌کند. این پژوهش در نهایت، «قرائت تمدنی» را روشی برای گذار از تفسیر صرف به کاربردشناسی مقاصدی تعریف می‌کند و بر ظرفیت این وصایای محکم برای ارائه الگوی اخلاقی-اجتماعی جهان‌شمول و کارآمد در عصر مدرن تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم؛ سوره انعام؛ وصایای عشر؛ اخلاق اسلامی؛ عدالت اجتماعی.

* پژوهشگر پسادکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir

** دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Email: m.shoaib68@gmail.com



۱. مقدمه

۱-۱. طرح مسئله

آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره انعام، که در سنت تفسیری «وصایای عشر» یا «آیات محکمت» خوانده می‌شوند،^۱ اصول بنیادین اخلاقی و اجتماعی را بر محور توحید بنا می‌کنند. این آیات که با نفی شرک آغاز و با دعوت به «صراط مستقیم» به اوج می‌رسند در جایگاه «ام‌الکتاب»، مورد اتفاق شرایع الهی و غیرقابل نسخ شمرده شده‌اند.^۲ روایتی مبنی بر ذکر آنها در سرآغاز تورات نیز بر اصالت و جهان‌شمولی این اصول تأکید دارد.^۳ پژوهش حاضر با تکیه بر آرای مفسران، ظرفیت این وصایا را برای مواجهه با بحران‌های اخلاقی و معضلات عدالت اجتماعی در جهان معاصر می‌کاود.

این وصایا فراتر از توصیه‌های فردی، الگوی تمدنی عرضه می‌کنند. تمدن در نگاه قرآن، صرفاً پیشرفت مادی نیست، بلکه نظامی ارزشی و استوار بر «توحید» است که به مفاهیمی چون کرامت انسان، عدالت (قسط) و مسئولیت‌پذیری (عهدالله) معنا می‌بخشد. انحراف از این اصول، جامعه را به «سُئِل» تفرقه می‌کشاند و انسجام آن را تضعیف می‌کند. از این رو این وصایا فهرستی پراکنده نیستند، بلکه به تعبیر سید قطب، «قوام حیات جامعه» و نقشه راهی برای ساخت اجتماعی به شمار می‌روند. این مجموعه با پوشش ارکان کلیدی جامعه - از خانواده و طهارت اخلاقی تا سلامت اقتصادی و عدالت قضایی - الگویی جامع ارائه می‌دهد. این پژوهش نشان خواهد داد که چگونه هر یک از این اصول، ظرفیت پاسخگویی به بحران‌های مشخص جهان معاصر را دارد.

۱. فضل‌بن‌حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۴ (تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش)، ۴۷۷؛ محمدبن‌احمد قرطبی، الجامع‌لاحکام القرآن، جلد ۷ (تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش)، ۱۳۱ (به نقل از ابن‌عباس)؛ و سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۷ (بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق)، ۳۷۲.

۲. قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۱؛ محمد جمال‌الدین قاسمی، محاسن‌التاویل، جلد ۴ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق)، ۵۳۶ (به نقل از ابن‌کثیر از کعب‌الاحبار)؛ و محمد رشید رضا، المنار، جلد ۸ (بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق)، ۱۸۳ (به نقل از کعب‌الاحبار).

۳. طبرسی، مجمع‌البیان، ۴: ۴۷۷؛ قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۱-۱۳۲؛ وهبه زحیلی، التفسیر‌المنیر، جلد ۸ (دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۱ق)، ۱۰۲ (به نقل از ابن‌عباس)؛ و ناصر مکارم شیرازی، الامثل فی تفسیر کتاب‌الله المنزل، جلد ۴ (قم: مدرسه‌الامام علی‌بن‌ابی‌طالب (ع)، ۱۴۲۱ق)، ۵۱۰-۵۱۱ (به نقل از ابن‌عباس).

قراנת تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده‌یامچی و شعیب ۲۳۷

۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

جهان معاصر با وجود پیشرفت‌های فناورانه، بحران‌های عمیق اخلاقی و اجتماعی دارد؛ از تزلزل نهاد خانواده^۴ و گسترش بی‌بندوباری اخلاقی^۵ تا تضعیف مسئولیت‌پذیری در قبال عهد^۶ و ظهور معضلات ساختاری چون تضییع حقوق ایتمام^۷، فساد اقتصادی^۸ و خدشه‌دار شدن عدالت^۹.

در چنین شرایطی، بازخوانی وصایای ده‌گانه سوره انعام با رویکردی کاربردی، ضرورتی حیاتی می‌یابد. این وصایا، که به تعبیر سید قطب نه‌تنها «قوام دین»، بلکه «قوام حیات المجتمع» هستند،^{۱۰} چهارچوبی استوار در برابر نسبی‌گرایی اخلاقی و بحران معنا ارائه می‌دهند و اخلاق را به منبعی متعالی یعنی «عهدالله» پیوند می‌زنند. این پژوهش با تکیه بر گنجینه تفاسیر، ظرفیت‌های این چهارچوب قرآنی را تحلیل می‌کند. هدف، ارائه مبانی نظری برای نخبگان فکری و سیاست‌گذاران اجتماعی است تا نشان دهد چگونه التزام اخلاقی فردی، مقدمه‌ای ضروری برای صلاح و انسجام جمعی محسوب می‌شود.

۳-۱. پیشینه پژوهش: از تفسیر سنتی تا خوانش‌های اجتماعی معاصر

تفاسیر کلاسیک مانند آثار طبری، رازی و زمخشری، عمدتاً با رویکردی لغوی، کلامی و فقهی-فردی به وصایای عشر پرداخته‌اند؛ اما در دوران معاصر، مفسران اصلاح‌گر اجتماعی چون رشید رضا و سید قطب، نگاه به این آیات را متحول کردند. آنها کوشیدند این وصایا را از سطح احکام فردی به سطح اصول بنیادین تمدن‌سازی ارتقا دهند و به تعبیر سید قطب، آن را

۴. استنباط از تأکید وصایا بر «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» و «و لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ». سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، جلد ۳ (بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۵ق)، ۱۲۳۰.

۵. مرتبط با وصیت «و لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ». سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ۳: ۱۲۳۰-۱۲۳۱.

۶. در تقابل با وصیت «و يَعْهَدُ اللَّهُ أَوْفُوا». احمد مصطفی مراغی، *تفسیر المراغی*، جلد ۸ (بیروت: دارالفکر، بی‌تا)، ۷۱-۷۲.

۷. مرتبط با وصیت «و لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». محمد متولی شعراوی، *تفسیر الشعراوی*، جلد ۷ (بیروت: اخبار الیوم، ۱۹۹۱م)، ۳۹۹۰-۳۹۹۱.

۸. مربوط به وصیت «و أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ». محمدحسین فضل‌الله، *من وحی القرآن*، جلد ۹ (بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ق)، ۳۷۴-۳۷۵.

۹. مرتبط با وصیت «و إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَ لَوْ كَانْ ذَا قُرْبَى». محمدجواد مغنیه، *التفسیر الکاشف*، جلد ۳ (قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۴ق)، ۲۸۴-۲۸۵.

۱۰. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ۳: ۱۲۳۰.

«قوام حیات المجتمع» معرفی کنند.^{۱۱}

با وجود این تلاش‌ها یک خلأ پژوهشی باقی است: فقدان روش‌شناسی منسجم برای تطبیق نظام‌مند این وصایا با بحران‌های نوپدید، مانند نسبی‌گرایی اخلاقی یا فساد سیستماتیک. نوآوری این پژوهش، ارائه «خوانش تمدنی» به‌منزله متدولوژی برای پر کردن همین خلأ است. این خوانش، وصایا را منشوری یکپارچه می‌بیند که از توحید تا انسجام اجتماعی امتداد دارد و با تحلیل ریشه‌ای بحران‌های معاصر، پیوندی مستقیم و کاربردی میان هر وصیت و راهکار متناظر آن برقرار می‌کند. بنابراین، مقاله به گزارش دیدگاه‌ها بسنده نکرده است، بلکه نظریه‌ای منسجم برای کاربست این اصول در جهان امروز ارائه می‌دهد.

۴-۱. اهداف پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر فرایند اجتهادی سه‌مرحله‌ای است که «خوانش تمدنی» نامیده می‌شود. این روش، نه به معنای تأویل، بلکه تلاشی برای استخراج اصول تمدن‌ساز از دل وصایای الهی است و شامل مراحل زیر است:

۱. تفسیر کاوی (مرحله اول): در این مرحله توصیفی، مفاهیم و ساختار وصایای عشر با اتکا به تفاسیر معتبر در بستر تاریخی آن تبیین می‌شود.

۲. استدلال مقاصدی (مرحله دوم): با استدلال استقرایی از احکام جزئی (حفظ مال یتیم)، اهداف و مقاصد کلان شارع (استقرار عدالت اجتماعی و حفظ حقوق ضعفا) استنباط می‌شود.

۳. کاربردشناسی معاصر (مرحله سوم): در این مرحله تحلیلی، مقاصد استخراج‌شده بر بحران‌های مشخص جهان امروز (فساد سیستماتیک) تطبیق داده شده است و راهکارهای عملی آن بررسی می‌شود.

این فرایند، مرز میان تبیین معنا (تفسیر) و خوانش کارکردی (کاربردشناسی) را به‌روشنی حفظ می‌کند.

۵-۱. پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، ۳: ۱۲۳۰.

قرانت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده‌یامچی و شعیب ۲۳۹

۱. وصایای عشر (انعام، آیات ۱۵۱-۱۵۳) براساس دیدگاه‌های تفسیری، چگونه نظام ارزشی منسجم در ابعاد گوناگون حیات (فردی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی) ارائه می‌دهند؟

۲. تفاسیر قرآن، چه ظرفیت‌های کاربردی مشخصی را در این وصایا برای مواجهه با بحران‌های اخلاقی و معضلات عدالت اجتماعی معاصر آشکار می‌کنند؟

۳. حکمت تنوع در تعابیر پایانی آیات ((لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ))، ((تَذَكَّرُونَ)) و ((تَتَّقُونَ)) از منظر مفسران چیست و این تنوع چگونه به مراحل التزام عملی و تحقق اهداف تربیتی-اجتماعی وصایا اشاره می‌کند؟

۱-۶. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از رویکرد تفسیر تطبیقی و انتقادی است. داده‌های اصلی از دیدگاه‌های تفسیری آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره انعام استخراج می‌شود. در مرحله توصیف، آرا و استدلال‌های مفسران درباره هر وصیت و مفاهیم مرتبط، دسته‌بندی و گزارش خواهد شد؛ سپس در مرحله تحلیل، این دیدگاه‌ها مقایسه می‌شود، نقاط اشتراک، افتراق و تمایزات آنها شناسایی می‌گردد و ظرفیت‌های کاربردی آنها برای پاسخگویی به مسائل معاصر با نگاهی انتقادی و مسئله‌محور واکاوی خواهد شد.

این فرایند تحلیلی در دو مرحله اصلی سامان یافته است: نخست، مرحله تفسیرکاوی (گفتار دوم) که در آن به تبیین دقیق مفاهیم و مبانی وصایا با اتکا به نصوص تفسیری پرداخته می‌شود؛ دوم، مرحله کاربردشناسی و اجتهاد تمدنی (گفتار سوم) که در آن، معانی مستخرج از نص برای پاسخگویی به مشکل‌های معاصر بسط داده شده است و کاربرد عملی می‌یابند. این تفکیک روش‌شناختی به مقاله کمک می‌کند تا مرز میان تبیین معنای متن و خوانش کارکردی آن به‌روشنی حفظ شود.

۲. مبانی و مفاهیم وصایای عشر در پرتو تفاسیر

۱-۲. جایگاه و ویژگی‌های وصایای عشر

آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره انعام، موسوم به «وصایای عشر»،^{۱۱} اصول بنیادین اخلاقی-اجتماعی را در چهارچوب توحید ارائه می‌دهند. نزول این آیات در سیاق سوره انعام که به نقد عقاید

۱۲. طبرسی، مجمع‌البیان، ۴: ۴۷۷؛ و قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۱.

مشرکین می‌پردازد، اهمیت آنها را دوچندان می‌کند. این وصایا در واقع پاسخی الهی به قانون‌گذاری خودسرانه مشرکین بود که بر پایه هوی و هوس، محرمانی را به خدا نسبت می‌دادند.

چنانکه مفسرانی چون طبرسی و ماتریدی اشاره دارند، خداوند پس از ذکر تحریم‌های خودساخته آنان، پیامبر(ص) را مأمور می‌کند محرمات حقیقی و مبتنی بر وحی را تلاوت کند.^{۱۳} به این ترتیب، قرآن در برابر احکام ظنی و خرافی آنان، اصولی ثابت و مبتنی بر عقل و فطرت را به‌عنوان شالوده نظام اخلاقی-اجتماعی معرفی می‌کند.

۲-۱-۱. بررسی دیدگاه مفسران در مورد محکم بودن، جامعیت و عدم نسخ این آیات

«محکم بودن» این وصایا به معنای وضوح، قطعیت و اصالت مفاهیم و احکام آنهاست به گونه‌ای که مجال تأویل نادرست یا نسخ را نمی‌دهد. طبرسی و قرطبی به نقل از ابن عباس، این آیات را از «آیات محکمت» و «ام‌الکتاب» دانسته‌اند که مورد اتفاق شرایع الهی بودند و هرگز نسخ نشده‌اند.^{۱۴} این دیدگاه که توسط مفسرانی چون زحیلی^{۱۵} و مکارم شیرازی^{۱۶} نیز تکرار شده است بر پایایی و جهان‌شمولی این اصول تأکید می‌کند. سید قطب نیز این وصایا را «قوام دین» و بنیان‌های حیات فردی و اجتماعی تلقی می‌کند و بر محکم بودن و عدم نسخ آنها در تمام کتب آسمانی به نقل از ابن عباس، اشاره می‌کند.^{۱۷}

«جامعیت» این وصایا نیز از دیگر خصوصیات آنهاست. این آیات، طیف گسترده‌ای از ابعاد زندگی انسانی از رابطه با خدا و اصلاح عقاید تا تحکیم خانواده، طهارت فردی و اجتماعی، حفظ نفس و حقوق انسانی و استقرار عدالت در مناسبات اقتصادی و قضایی را دربر می‌گیرند. قرطبی از ابن عباس نقل می‌کند که این آیات، اصولی هستند که شرایع تمامی مردمان بر آنها اجماع داشته‌اند.^{۱۸} زحیلی نیز بر این اجماع شرایع تأکید کرده است و می‌افزاید که این اصول هرگز در هیچ آیینی نسخ نشده‌اند.^{۱۹}

۱۳. طبرسی، مجمع البیان، ۴: ۵۹۰؛ محمدبن محمد ماتریدی، تأویلات اهل السنة، جلد ۴، تحقیق: فاطمة الخیمی (بیروت: مؤسسة الرسالة ناشرون، ۱۴۲۵ق)، ۳۱۰.

۱۴. طبرسی، مجمع البیان، ۴: ۴۷۷؛ قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۱-۱۳۲.

۱۵. زحیلی، التفسیر المنیر، ۸: ۱۰۲.

۱۶. مکارم شیرازی، الامثال، ۴: ۵۱۰-۵۱۱.

۱۷. سید قطب، فی ظلال القرآن، ۳: ۱۲۲۹ و ۱۲۳۱.

۱۸. قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۱.

۱۹. زحیلی، التفسیر المنیر، ۸: ۱۰۲.

قرانت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده یامچی و شعیب ۲۴۱

«عدم نسخ» این آیات، ویژگی مهم دیگری است که بر اهمیت بنیادین و فرازمانی این اصول در نظام تشریح الهی دلالت دارد، چنانکه ابن عباس به آن تصریح کرده است.^{۲۰}

«قدمت و اصالت» این وصایا نیز مورد تأکید قرار گرفته است. نقل مبنی بر اینکه این آیات، سرآغاز تورات بوده‌اند و با عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ» آغاز می‌شده‌اند^{۲۱} نشان‌دهنده ریشه‌دار بودن این اصول در سنت ادیان ابراهیمی و پیوستگی پیام الهی است.

۲-۱-۲. تحلیل مفهوم وصیت الهی و دلالت‌های آن در این آیات

تکرار تعبیر «ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ» در انتهای این سه آیه بر محوریت مفهوم «وصیت الهی» تأکید می‌کند. «وصیت» فراتر از امر و نهی صرف و به معنای سفارش مؤکد، عهد مهم و بیان اموری حیاتی است. رشید رضا وصیت را عهد به انجام عمل خیر یا ترک شر، همراه با وعظی مؤثر می‌داند و راغب اصفهانی آن را طلب عملی همراه با اندرز تعریف کرده است.^{۲۲}

انتساب «وصیت» به خداوند در این آیات، دلالت‌های مهمی دارد:

نخست، بیانگر اهمیت فوق‌العاده و بنیادین این اصول در نظام ارزشی و تشریحی اسلام است. خداوند اموری را «وصیت» می‌کند که برای سعادت و کمال انسان ضروری‌اند. سید قطب این را سبب ایجاد وزن و اعتبار برای اوامر و نواهی در وجدان انسان‌ها می‌داند.^{۲۳}

دوم، مفهوم «وصیت»، جنبه‌ای از لطف و رحمت الهی را آشکار می‌سازد. خداوند، بندگان خود را به اموری سفارش می‌کند که خیر و صلاح آنان در آن نهفته است. زحیلی به نقل از فخر رازی به این جنبه از «لطف و رأفت» در تعبیر «وصاکم به» اشاره کرده است.^{۲۴}

سوم، «وصیت الهی» بر جنبه عقلانی و فطری این اصول نیز دلالت دارد. خداوند اموری را وصیت می‌کند که با عقل سلیم و فطرت پاک انسانی سازگارند. از این رو در انتهای آیه اول، عبارت «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» آمده است. علامه طباطبایی بیان می‌کند که حرمت امور مذکور در آیه اول، امری است که فطرت انسانی در نگاه نخست آن را درک می‌کند و تنها پیروی از

۲۰. طبرسی، مجمع‌البیان، ۴: ۴۷۷؛ قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۱-۱۳۲.

۲۱. قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۱؛ قاسمی، محاسن التاویل، ۴: ۵۳۶؛ رضا، المنار، ۸: ۱۸۳ و ۲۰۰.

۲۲. رضا، المنار، ۸: ۱۸۸.

۲۳. سید قطب، فی ظلال القرآن، ۳: ۱۲۳۲.

۲۴. زحیلی، التفسیر المنیر، ۸: ۹۴.

اهواء، انسان را از این درک بازمی‌دارد.^{۲۵}

در مجموع، مفهوم «وصیت الهی» در این آیات، نه تنها بر الزام آوردن این فرامین، بلکه بر اهمیت بنیادین، جنبه رحمانی و سازگاری آنها با عقل و فطرت انسانی دلالت می‌کند و مخاطب را به پذیرش و التزام عملی به آنها ترغیب می‌نماید.

۲-۲. تحلیل ساختاری و پیوندهای معنایی در وصایای ده‌گانه

وصایای ده‌گانه آیات ۱۵۱-۱۵۳ سوره انعام، نظامی منسجم از ارزش‌ها و اصول بنیادین ارائه می‌دهند که از توحید نشئت گرفته است و به تحقق جامعه‌ای عادل و اخلاقی بر صراط مستقیم الهی منتهی می‌شوند. این بخش به تحلیل پیوستگی معنایی و ساختاری این وصایا با استناد به دیدگاه‌های تفسیری می‌پردازد.

۲-۲-۱. از توحید مطلق تا تکریم و حفظ حیات انسان

نخستین وصیت، نهی از شرک «الَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» در جایگاه «رأس المحرمات» و زیربنای کل نظام اخلاقی-اجتماعی است.^{۲۶} بلافاصله پس از آن، وصیت به «احسان به والدین» مطرح می‌شود که به باور مفسران، جایگاه رفیع خانواده و روابط نسلی در جامعه توحیدی را نشان می‌دهد.^{۲۷} در ادامه، نهی از «قتل اولاد از بیم فقر» نگرش‌های مادی‌گرا را با تأکید بر رزاقیت الهی^{۲۸} به چالش می‌کشد و سپس، اجتناب از «فواحش» (گناهان کبیره و اعمال منافی عفت)^{۲۹} به منزله ضامن طهارت اخلاقی فرد و جامعه مطرح می‌شود. تأکید بر «نزدیک نشدن» به فواحش، رویکرد پیشگیرانه اسلام را نشان می‌دهد^{۳۰} و به باور سید قطب، این طهارت برای حفظ نهاد خانواده ضروری است.^{۳۱}

این بخش با نهی از «قتل نفس مگر به حق» به اوج خود می‌رسد و حرمت عمومی حیات

۲۵. طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۹.

۲۶. شعراوی، تفسیر الشعراوی، ۷: ۳۹۸۴؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ۳: ۱۲۲۹؛ و مکارم شیرازی، الامثل، ۴: ۵۰۹.

۲۷. محمدبن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، جلد ۱۳ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق)، ۱۷۷-۱۷۸؛ و رضا، المنار، ۸: ۱۸۴-۱۸۵.

۲۸. مراغی، تفسیر المراغی، ۸: ۶۷؛ و حقی برسوی، روح البیان، جلد ۳ (بیروت: دارالفکر، بی‌تا)، ۱۱۷-۱۱۸.

۲۹. طبرسی، مجمع البیان، ۴: ۵۹۰؛ و دیدگاه ابن عباس و سدی (به نقل از محمدبن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۸ (بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق)، ۶۱).

۳۰. رضا، المنار، ۸: ۱۸۷؛ و سید قطب، فی ظلال القرآن، ۳: ۱۲۳۱.

۳۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، ۳: ۱۲۳۰-۱۲۳۱.

قراوت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده‌یامچی و شعیب ۲۴۳

انسانی (اعم از مسلمان یا معاهد) را در برابر مواردی چون قصاص، تثبیت می‌کند.^{۳۲} در مجموع، این پنج وصیت، نظامی منسجم را ترسیم می‌کنند که با محوریت توحید به تکریم حیات، استحکام خانواده، طهارت اخلاقی و امنیت جانی در جامعه می‌پردازد.

۲-۲-۲. از عدالت در روابط خرد تا وفای به عهد در سطح کلان

دسته دوم وصایا (آیه ۱۵۲) بر اصول عدالت، انصاف و اعتماد در روابط اجتماعی و اقتصادی تأکید و پایه‌های جامعه سالم را تبیین می‌کند.

نخستین وصیت این دسته، «وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ» است که بر لزوم حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی ایتم تأکید می‌کند. برخی «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» را به معنای هر تصرفی که به حفظ و رشد مال یتیم و تأمین مصالح او منجر شود، دانسته‌اند.^{۳۳} نهی از «قرب» به مال یتیم، بیانگر شدت حرمت و لزوم احتیاط حداکثری است.^{۳۴} این وصیت نشان می‌دهد جامعه توحیدی، مبتنی بر مسئولیت‌پذیری و حمایت از ضعفاست.

در ادامه، فرمان «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ» صادر می‌شود که ناظر بر اهمیت عدالت و شفافیت در مبادلات اقتصادی است. مفسران، «قسط» را به معنای عدل و انصاف کامل تفسیر کرده‌اند.^{۳۵} عبارت «لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»، بیانگر آن است که تکلیف الهی در حد توان انسان است و خطاهای جزئی و غیرعمدی مؤاخذه نمی‌شوند.^{۳۶} این اصل، ضمن تأکید بر عدالت، واقع‌بینی و سهولت شریعت را نشان می‌دهد.

وصیت بعدی «و إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» به لزوم رعایت عدالت در تمامی اقوال (شهادت، قضاوت، اظهار نظر) حتی اگر به ضرر نزدیکان باشد، فرمان می‌دهد. مفسرانی، گستره «قول» را شامل همه عرصه‌هایی دانسته‌اند که اظهار نظر فرد می‌تواند بر حقوق دیگران تأثیرگذار باشد.^{۳۷} این اصل، بیانگر اهمیت بی‌طرفی و حق‌محوری در جامعه توحیدی است.

۳۲. طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۵؛ و قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۳.

۳۳. مجاهد (به نقل از قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۴)؛ ضحاک (به نقل از عبدالرحمن بن محمد بن عطیه، المحرر الوجیز، جلد ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق)، ۳۶۳؛ و احمد بن علی جصاص، احکام القرآن، جلد ۴ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق)، ۱۹۶.

۳۴. فضل‌الله، من وحی القرآن، ۹: ۳۷۴.

۳۵. قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۶؛ و طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۶.

۳۶. رضا، المنار، ۸: ۱۹۱؛ و حقی پرسوی، روح البیان، ۳: ۱۱۹.

۳۷. طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۶-۳۷۷؛ و مراغی، تفسیر المراغی، ۸: ۷۱.

در نهایت این دسته با فرمان جامع «وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا» به اوج می‌رسد. مفسران، «عهدالله» را در معنایی وسیع، شامل پیمان‌های الهی (فطری و تشریحی) و پیمان‌های انسان‌ها با یکدیگر یا با خدا تفسیر کرده‌اند.^{۳۸} این وصیت بر اهمیت پایبندی به تعهدات و مسئولیت‌پذیری در تمامی سطوح تأکید می‌کند و ضامن اعتماد، ثبات و سلامت جامعه است. بنابراین، این دسته از وصایا با تأکید بر عدالت در روابط اقتصادی و قضایی و لزوم وفای به عهد، پایه‌های جامعه‌ای مبتنی بر انصاف، اعتماد متقابل و مسئولیت‌پذیری را بنا می‌نهند.

۲-۳. «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» به منزله چهارچوب فراگیر و وحدت‌بخش

وصیت دهم و پایانی (آیه ۱۵۳) با عبارت «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» آغاز می‌شود. این وصیت، برخلاف موارد خاص پیشین، اصلی کلی و فراگیر را ارائه می‌دهد که همه اصول و فروع دین را دربرمی‌گیرد.

مفسران، «هذا» را اشاره به مجموع وصایای پیشین و به‌طور کلی‌تر به دین اسلام و شریعت الهی دانسته‌اند.^{۳۹} «صراط مستقیم»، راه روشن، بدون انحراف و یگانه‌ای است که انسان را به سعادت رهنمون می‌کند. در مقابل، «سبل» یا راه‌های زیاد و پراکنده، نمادی از بدعت‌ها، اهواء نفسانی، ادیان تحریف‌شده و هر مسیری است که انسان را از راه حق دور می‌کند.^{۴۰} روایت مشهور نبوی (ص) در ترسیم خط مستقیم و خطوط متعدد اطراف آن که در تفاسیری چون الجامع لاحکام القرآن والمنار آمده است، این مفهوم را تبیین می‌کند.^{۴۱}

این وصیت، همه وصایای پیشین را در چهارچوبی واحد قرار می‌دهد. توحید، احسان به والدین، حرمت قتل، اجتناب از فواحش، حفظ مال یتیم، عدالت در معاملات و اقوال و وفای به عهد، همگی اجزای این «صراط مستقیم» هستند. پیروی از این صراط، ضامن وحدت و انسجام جامعه است؛ درحالی که پیروی از «سبل» متفرقه به تفرقه و گمراهی می‌انجامد. چنانکه طباطبایی اشاره می‌کند، این آیه در حقیقت نهی از تفرق در دین است.^{۴۲}

بنابراین، وصیت دهم با ارائه اصلی راهبردی بر اهمیت التزام به مسیر واحد الهی و پرهیز از

۳۸. طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۷؛ و رضا، المنار، ۸: ۱۹۲.

۳۹. قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۷؛ و طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۷.

۴۰. قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۷-۱۳۸ (به نقل از مجاهد)؛ و رضا، المنار، ۸: ۱۹۵.

۴۱. قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۷-۱۳۸؛ و رضا، المنار، ۸: ۱۹۵.

۴۲. طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۷-۳۷۸.

قرانت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده‌یامچی و شعیب ۲۴۵

انحراف و تفرقه افکنی تأکید می‌کند و همه وصایای پیشین را به‌مثابه نقشه راهی جامع برای زندگی فردی و اجتماعی مبتنی بر حق، عدالت و اخلاق در چهارچوب این صراط مستقیم، معنا و انسجام می‌دهد.

۲-۳. حکمت تنوع تعابیر ختامیه «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ، تَذَكَّرُونَ، تَتَّقُونَ»: بازخوانی و تحلیل انتقادی آرای مفسران

تنوع هوشمندانه تعابیر ختامیه در آیات ۱۵۱-۱۵۳ سوره انعام (پس از «ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ»)) از ظرایف بلاغی و معنایی قابل تأمل است. آیه نخست با «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، دوم با «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» و سوم با «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» پایان می‌یابد. این تنوع، که نمی‌تواند اتفاقی باشد، مفسران را به ارائه دیدگاه‌های گوناگون در تبیین راز آن وا داشته است. بررسی و تحلیل این دیدگاه‌ها به فهم عمیق‌تر اهداف تربیتی و اجتماعی این وصایا کمک می‌کند.

بیشتر مفسران بر تناسب محتوای هر دسته از وصایا با تعبیر ختامیه خاص آن آیه تأکید کرده‌اند. دیدگاه غالب آن است که وصایای آیه نخست (نهی از شرک، احسان به والدین، نهی از قتل اولاد، اجتناب از فواحش، حرمت قتل نفس مگر به حق) اموری هستند که قبح ذاتی یا اهمیت بنیادین آنها با رجوع به عقل سلیم و فطرت پاک به‌روشنی قابل درک است. از این رو، قرآن پس از این وصایا مخاطبان را به «تعقل» و خردورزی فرامی‌خواند تا به درستی و ضرورت این فرامین پی ببرند.^{۴۳} علامه طباطبایی توضیح می‌دهد که این امور مسائلی هستند که فطرت اصیل انسانی بدون نیاز به استدلال پیچیده به حرمت آنها گواهی می‌دهد و تنها غلبه اهواء نفسانی می‌تواند انسان را از این درک بازدارد.^{۴۴} بنابراین، «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» دعوتی به فعال‌سازی قوه تمییز و درک پیامدهای اعمال است.

در مقابل، وصایای آیه دوم (حفظ مال یتیم، ایفاء کیل و میزان، عدالت در اقوال، وفای به عهدالله) هرچند بسیار مهم‌اند، اما ممکن است در عمل تحت تأثیر منافع شخصی، روابط خویشاوندی یا غفلت قرار گیرند. از این رو، تعبیر «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» بر لزوم یادآوری مستمر این اصول و توجه به پیامدهای رعایت یا نقض آنها تأکید می‌کند. برخی اشاره می‌کنند که اعراب جاهلیت برخی از این امور (مانند وفای به عهد) را نیکو می‌شمردند و قرآن با امر مجدد به آنها

۴۳. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۳: ۱۸۰-۱۸۱؛ رضا، المنار، ۸: ۱۹۷-۱۹۸؛ و محمدطاهر بن عاشور، تفسیر التحریر و التنویر، جلد ۷ (بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق)، ۱۲۱.

۴۴. طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۹.

ایشان را به ارزش‌های اصیل، اما فراموش شده خودشان، «تذکر» می‌دهد.^{۴۵} برخی نیز معتقدند این دسته از محرمات، بیشتر جنبه شهوانی دارند و حتی افراد عاقل نیز ممکن است در اثر غفلت به آنها مبتلا شوند.^{۴۶} بنابراین، «تذکر» در این آیه، فراتر از یادآوری صرف به معنای پندپذیری و توجه عمیق به عواقب اعمال است.

نهایتاً، آیه سوم که به پیروی از صراط مستقیم الهی و اجتناب از سبیل انحرافی فرمان می‌دهد با تعبیر «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» تمام می‌شود. «تقوا» در این سیاق، نتیجه مطلوب تعقل و تذکر و به معنای پرهیز آگاهانه و ملتزمانه از انحرافات و التزام کامل به مسیر مستقیم الهی است. پیروی از صراط مستقیم، که جامع همه وصایای پیشین است، نیازمند مراقبت دائمی و هوشیاری از لغزش است. برخی، این تقوا را به معنای پرهیز از موجبات عذاب الهی و تلاش برای دستیابی به سعادت از طریق التزام به راه حق دانسته‌اند.^{۴۷} علامه طباطبایی تقوای دینی را حاصل التزام به مقتضیات فطرت و پرهیز از اهواء نفسانی می‌داند و معتقد است اجتناب از سبیل متفرقه، شرط تحقق این تقوای راستین است.^{۴۸} بنابراین «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» بیانگر بالاترین سطح التزام عملی و مراقبت درونی برای حرکت ثابت قدم در مسیر الهی است.

برخی مفسران نیز این سه تعبیر را بیانگر مراحل سه‌گانه و مترتب در مسیر تکامل فهم و عمل به دین دانسته‌اند: ابتدا «تعقل» (درک مفاهیم)، سپس «تذکر» (درونی‌سازی معارف) و در نهایت، «تقوا» (التزام عملی همه‌جانبه).^{۴۹} این دیدگاه بر پویایی و مرحله‌ای بودن فرایند تربیت دینی و حرکت تدریجی از شناخت نظری به التزام عملی تأکید دارد.

در جمع‌بندی، تنوع هوشمندانه تعابیر ختامیه در این آیات، نه تنها شاهکار بلاغت قرآن در تناسب لفظ و معناست، بلکه بر ابعاد و مراحل گوناگون فرایند هدایت و تربیت انسان در مکتب اسلام تأکید می‌ورزد. این وصایای جامع، نیازمند تعقل و فهم عمیق، تذکر و مراقبت مداوم و تقوا و التزام عملی همه‌جانبه برای تحقق اهداف عالی خود در سطح فرد و جامعه هستند.

۴۵. رضا، المنار، ۸: ۱۹۸ (به نقل از قطب رازی).

۴۶. ابن عطیه، المحرر الوجیز، ۲: ۳۶۴.

۴۷. رضا، المنار، ۸: ۱۹۷ (به نقل از ابوحنان در البحر المحیط).

۴۸. طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۹-۳۸۰.

۴۹. مکارم شیرازی، الامثل، ۴: ۵۱۰.

قرانت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده‌یامچی و شعیب ۲۴۷

۳. ظرفیت‌های کاربردی وصایای عشر برای مواجهه با بحران‌های اخلاقی و مشکل‌های عدالت اجتماعی در جهان معاصر

پس از تبیین مبانی و مفاهیم وصایای عشر در گفتار پیشین که مبتنی بر «تفسیر» و تحلیل دیدگاه‌های مفسران بود، اینک در این گفتار، پژوهش وارد مرحله «کاربردشناسی» و «اجتهاد تمدنی» می‌شود. در این بخش، هدف صرفاً بازگویی معانی مستخرج از نص نیست، بلکه می‌کوشیم تا با فاصله گرفتن آگاهانه از سطح توصیف، ظرفیت‌های پنهان این اصول بنیادین برای مواجهه با بحران‌های مشخص جهان معاصر را فعال کنیم. بدین منظور، هر وصیت یا دسته‌ای از وصایای مرتبط به یک یا چند بحران مشخص - از تزلزل نهاد خانواده تا فساد اقتصادی و تفرقه‌های اجتماعی - پیوند می‌خورد و نشان داده می‌شود که چگونه این تعالیم الهی می‌توانند در جایگاه الگویی فرهنگی - اجتماعی پویا و کارآمد، راهکارهای عملی ارائه دهند.

۱-۳. بازسازی نهاد خانواده و تقویت روابط نسلی در پرتو احسان به والدین و حرمت قتل اولاد

نهاد خانواده در جایگاه هسته اولیه و بنیادین جامعه در جهان معاصر با چالش‌ها و بحران‌های زیادی روبه‌رو است که پایداری و کارکردهای اساسی آن را تهدید می‌کند. در این میان، وصایای قرآنی ناظر بر «احسان به والدین» و «حرمت قتل اولاد»، ظرفیت‌های قابل توجهی برای بازسازی و تقویت این نهاد حیاتی و بازگرداندن آن به جایگاه اصیل خود ارائه می‌دهند.

۱-۱-۳. تحلیل مشکل‌های خانواده معاصر با استناد به دلالت‌های معکوس تأکیدات تفاسیر

یکی از مسائل برجسته خانواده معاصر، رشد فزاینده فردگرایی افراطی است که در بسیاری از موارد به تضعیف پیوندهای خانوادگی و کاهش احساس مسئولیت متقابل بین اعضای خانواده به ویژه در رابطه والدین و فرزندان، منجر شده است. تأکید مؤکد قرآن کریم بر «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، آنگونه که در تفاسیر به عنوان امری بلافاصله پس از توحید و نشانه‌ای از اهمیت فوق‌العاده حقوق والدین آمده است^{۵۰} در دلالت معکوس، بیانگر اهمیت مقابله با هرگونه بی‌توجهی و کم‌اهمیت شمردن جایگاه والدین در ساختار خانواده مدرن است. مفسران با برجسته‌سازی نقش والدین در جایگاه واسطه فیض وجود و مرییان اولیه^{۵۱} بر دینی بودن و

۵۰. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۳: ۱۷۷-۱۷۸؛ و رضا، المنار، ۸: ۱۸۴-۱۸۵.

۵۱. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۳: ۱۷۷-۱۷۸؛ و رضا، المنار، ۸: ۱۸۴-۱۸۵.

عمق این رابطه تأکید می‌ورزند که این امر می‌تواند پاسخی بنیادین به نگاه‌های صرفاً کارکردگرایانه و سکولار به روابط خانوادگی باشد. چنانکه برخی معرفت‌حقوق‌والدین را تالی معرفت حق خداوند در ایجاد و ربوبیت می‌داند، زیرا والدین اسباب قریب در وجود و تربیت هستند.^{۵۲}

علاوه بر این، بحران‌های جمعیتی و مشکلات مربوط به فرزندآوری و تربیت نسل آینده از دیگر معضلاتی است که خانواده معاصر با آن مواجه است. نهی صریح قرآن از «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ»، که در تفاسیر به‌عنوان نمادی از ضرورت توکل بر رزاقیت مطلقه الهی و نفی نگرش‌های مادی‌گرایانه کوتاه‌بینانه تفسیر شده است،^{۵۳} می‌تواند پاسخی بنیادین به رویکردهایی باشد که ارزش حیات و آینده نسل را فدای محاسبات اقتصادی و رفاه فردی می‌کنند. تأکید بر اینکه «تَحْتِ نَزْوِ فَكَمْ وَإِيَاهُمْ» به تعبیر مفسران، دعوتی به اعتماد به تدبیر الهی و پذیرش مسئولیت در قبال نسل آینده است. این امر در تقابل مستقیم با فرهنگ مسئولیت‌گریزی و اولویت‌بخشی به منافع آنی فردی در برخی جوامع مدرن قرار دارد که آیه مذکور به عادت ناپسند برخی قبایل عرب در زنده‌به‌گور کردن دختران به دلیل فقر یا ترس از آن پاسخ می‌دهد.^{۵۴}

۳-۲. ارائه رهنمودهای تفسیری برای احیای ارزش‌های خانوادگی

تحلیل دو وصیت کلیدی «احسان به والدین» و «نهی از قتل اولاد» در پرتو تفاسیر، رهنمودهای کاربردی برای مواجهه با بحران‌های معاصر خانواده ارائه می‌دهد:

۱. **ترویج فرهنگ احسان به والدین:** تفاسیر بر مفهوم «احسان» به‌مثابه رفتاری فراتر از وظیفه، شامل محبت، تکریم و مراقبت همه‌جانبه، تأکید دارند.^{۵۵} برخی مفسران این لطف را تا پرهیز از خیره‌نگریستن به والدین نیز گسترش داده‌اند.^{۵۶} این نگاه به‌ویژه برای مقابله با معضل تهایی سالمندان، راهگشاست.

۲. توسعه مفهوم «قتل اولاد» به «حقوق کودک»: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ

۵۲. قاسمی، محاسن‌التاویل، ۴: ۵۳۵-۵۳۶ (به نقل از القاشانی).

۵۳. مراغی، تفسیر‌المراغی، ۸: ۶۷؛ و حقی برسوی، روح‌البیان، ۳: ۱۱۷-۱۱۸.

۵۴. ابن‌عاشور، تفسیر‌التحریر و‌التنویر، ۷: ۱۱۸.

۵۵. این مفهوم از تأکید بر «احساناً» که در تفاسیر مختلف مانند المنار، ۸: ۱۸۴-۱۸۵؛ و روح‌المعانی، ۴: ۲۹۷ مورد بحث قرار گرفته، قابل استنباط است.

۵۶. طبری، جامع‌البیان، ۸: ۶۰-۶۱؛ و نصرین‌محمد سمرقندی، بحر‌العلوم، جلد ۱ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق)، ۴۹۴.

قرانت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده یامچی و شعیب ۲۴۹

إِمْلَاقٍ^{۵۷} امروزه به «قتل شخصیت» کودک از طریق تضییع حقوق بنیادین او (مانند آموزش و بهداشت) نیز تعمیم می‌یابد. همانطور که قرآن قتل از ترس فقر مادی را محکوم می‌کند، این اصل، غفلت جامعه از تأمین آینده کودکان را نیز در بر می‌گیرد و بر مسئولیت حکومت‌ها در تأمین عدالت برای نسل آینده تأکید می‌کند.

۳. اصلاح نگرش به فرزندآوری: تحلیل تفسیری «املاق» (فقر)، نگرش‌های صرفاً اقتصادی به فرزندآوری را به چالش می‌کشد. تأکید قرآن بر رزاقیت الهی^{۵۸} به معنای نفی تدبیر نیست، بلکه دعوتی است به اولویت دادن به ارزش حیات با توکل و تلاش مسئولانه.

۴. تأکید بر مسئولیت‌پذیری متقابل: این دو وصیت در کنار هم بر مسئولیت دوجانبه نسل‌ها تأکید می‌کنند. همانطور که والدین مسئول تربیت فرزندان هستند، فرزندان نیز مسئول احسان به والدین هستند. این نگاه متقابل به همبستگی خانواده کمک می‌کند.

۵. مقابله با فرهنگ بی‌ارزش‌انگاری حیات: نهی از قتل اولاد در سطحی عمیق‌تر، مقابله با هر فرهنگی است که حیات انسان به‌ویژه موجودات ضعیف را کم‌ارزش می‌شمارد. این اصل، پدیده‌هایی چون سقط جنین‌های غیرضروری^{۵۹} یا بی‌توجهی جهانی به حقوق کودکان را به چالش می‌کشد.

در مجموع، بازخوانی تفسیری این دو وصیت، ظرفیت قرآن را برای ارائه راهکارهای معنادار به بحران‌های معاصر خانواده و روابط نسلی آشکار می‌سازد.

۲-۳. مقابله با ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی از طریق اجتناب از فواحش و قتل نفس

انحرافات اخلاقی و تعدی به حقوق بنیادین انسان از جمله چالش‌های همیشگی جوامع بشری بوده‌اند که در عصر حاضر نیز با ابعاد و اشکال نوینی ظهور یافته‌اند. وصایای قرآنی مبنی بر اجتناب از «فواحش» و حرمت «قتل نفس»، راهکارهای بنیادینی برای مقابله با این ناهنجاری‌ها و استقرار جامعه‌ای سالم و امن ارائه می‌دهند.

۵۷. محمودبن عبدالله آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، جلد ۴ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق)، ۲۹۷ (به نقل از ابن عباس).

۵۸. این استنباط از اهمیت مقابله با نگرش جاهلی که در تفاسیری چون تفسیر ابن کثیر (به نقل از قاسمی، محاسن التاویل، ۴: ۵۳۸) به آن اشاره شده، قابل دریافت است.

۵۹. مکارم شیرازی، الامثال، ۴: ۵۱۲.

۳-۲-۱. بازشناسی فواحش و قتل نفس در پرتو چالش‌های معاصر و راهکارهای پیشگیرانه قرآنی

فرمان الهی «وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ» و «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»، دو اصل بنیادین برای حفظ سلامت اخلاقی و امنیت جانی جامعه ارائه می‌دهند. مفسران در تبیین «فواحش»، آن را به معنای عام «معاصی و قبایح» و به معنای خاص «زنا» و اعمال منافی عفت دانسته‌اند.^{۶۰} این گستره معنایی، ظرفیت بالایی برای تطبیق این مفهوم با مصادیق نوین فساد اخلاقی فراهم می‌کند.

مشکل‌های کنونی، جلوه‌های جدید و پیچیده‌ای از «فواحش» را پدید آورده‌اند که نیازمند بازخوانی این وصیت الهی است. «فواحش ظاهر» در جهان امروز از مصادیق سنتی فراتر رفته‌اند و در قالب‌هایی چون ترویج سیستماتیک هرزه‌نگاری در فضای مجازی، عادی‌سازی برهنگی در رسانه‌ها و بهره‌کشی جنسی در تبلیغات تجاری تجلی می‌یابد. این پدیده‌ها که به فروپاشی حیا و تخریب نهاد خانواده می‌انجامند، مصداق بارز فحش‌های آشکار هستند. همچنین، «فواحش باطن» نیز ابعاد پیچیده‌تری یافته است؛ از جمله مصرف پنهان محتوای غیراخلاقی که باعث تخریب روح و روان فرد می‌شود تا روابط نامشروع مجازی که کیان خانواده را تهدید می‌کند و مصداق «اتخاذ دوست نامشروع» در تفاسیر است.^{۶۱}

در این میان، حکمت رویکرد پیشگیرانه قرآن در تعبیر «وَلَا تَقْرُبُوا» اهمیتی مضاعف می‌یابد. مفسرانی چون سید قطب و رشید رضا این تعبیر را بیانگر اهمیت بستن راه بر وسوسه‌های نفسانی و زمینه‌های لغزش دانسته‌اند.^{۶۲} در عصر حاضر که ابزارهای اغوا و تحریک به گناه از طریق فناوری‌های نوین به‌طور گسترده در دسترس قرار دارند، این راهکار قرآنی مبنی بر مدیریت محیط و پرهیز از زمینه‌های لغزش، اصلی بنیادین برای حفظ سلامت اخلاقی فرد و جامعه است.

در ادامه، فرمان «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» بر حرمت بنیادین حیات انسانی تأکید می‌کند. این اصل در جهان معاصر که شاهد آشکال نوینی از خشونت و بی‌ارزش‌انگاری حیات هستیم، ابعادی فراتر از قتل مستقیم فیزیکی می‌یابد. مشکلاتی مانند «تروریسم» که با ایجاد رعب و وحشت، امنیت روانی و جانی جامعه را سلب می‌کند؛

۶۰. طبرسی، مجمع‌البیان، ۴: ۵۹۱؛ و عبدالرحمن بن محمد ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، جلد ۲ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق)، ۳۶۲.

۶۱. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، جلد ۱ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق)، ۵۹۶.

۶۲. رضا، المنار، ۸: ۱۸۷؛ و سید قطب، فی ظلال القرآن، ۳: ۱۲۳۱.

قرانت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده یامچی و شعیب ۲۵۱

«خسونت‌های ساختاری» که در قالب فقر و تبعیض سیستماتیک به مرگ تدریجی انسان‌ها می‌انجامد و «ترور شخصیت» در فضای مجازی که با نابودی آبرو و اعتبار افراد، آنان را به انزوای مرگبار و حتی خودکشی سوق می‌دهد، همگی می‌توانند از مصادیق نقض حرمت «نفس محترمه» تلقی شوند. تحلیل عمیق مفسران که قتل نفس را در کنار شرک و زنا از مهلکات اصلی جامعه دانسته‌اند، زیرا هر یک به نوعی «قتل» محسوب می‌شوند و این نگاه جامع را تأیید می‌کند: شرک، قتل فطرت؛ زنا، قتل جامعه و نسل و قتل نفس، قتل مستقیم فرد انسانی است.^{۶۳} این تحلیل، ظرفیت مفهومی این وصیت را برای مواجهه با هر عامل تهدیدکننده حیات معنوی، اجتماعی یا فیزیکی انسان آشکار می‌کند.

بنابراین، بازشناسی مفاهیم «فواحش» و «قتل نفس» در پرتو دیدگاه‌های تفسیری، صرفاً بحث نظری نیست، بلکه راهکارهای بنیادینی برای مشکلات ملموس جهان معاصر ارائه می‌دهد. از مقابله با هزینه‌نگاری اینترنتی و ترور شخصیت در شبکه‌های اجتماعی تا مبارزه با خسونت‌های ساختاری، این وصایای قرآنی با تأکید بر رویکرد پیشگیرانه («وَلَا تَقْرُبُوا») و حرمت همه‌جانبه حیات انسانی، اصولی پایدار برای بازسازی اخلاقی و تحکیم امنیت جوامع مدرن فراهم می‌آورند.

۳-۳. استقرار عدالت اقتصادی و قضایی با الهام از حفظ مال یتیم، ایفاء کیل و میزان و عدالت در قول

عدالت در ابعاد گوناگون اقتصادی و قضایی از پایه‌های اساسی هر جامعه سالم، باثبات و رو به رشد است. وصایای عشر مندرج در سوره انعام با تأکیدات ویژه بر حفظ حقوق اقشار آسیب‌پذیر، لزوم شفافیت در معاملات و مناسبات اقتصادی و ضرورت انصاف و حق‌محوری در گفتار و شهادت، راهکارهای بنیادین و کارآمدی برای استقرار این عدالت همه‌جانبه ارائه می‌دهند که در جهان معاصر نیز اهمیت بسزایی دارد.

۳-۳-۱. تحلیل مشکل‌های کنونی با توجه به هشدارهای تفاسیر

جهان امروز با مشکل‌های گسترده و پیچیده‌ای در زمینه تحقق عدالت اقتصادی و قضایی مواجه است. فساد مالی در سطوح مختلف، تضییع سیستماتیک حقوق اقتصادی طبقات ضعیف و آسیب‌پذیر، عدم شفافیت در مناسبات تجاری و بازارهای مالی و بحران اعتماد در

۶۳. فخر رازی، التفسیر الکبیر، جلد ۱۳ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق)، ۱۷۹؛ و سید قطب، فی ظلال القرآن، ۳: ۱۲۳۱.

نظام‌های قضایی و فرایندهای شهادت از جمله این معضلات ریشه‌دار هستند. هشدارهای صریح قرآن کریم در وصایای عشر، که در گنجینه تفاسیر اسلامی به تفصیل مورد بحث و تأکید قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده اهمیت بنیادین و اولویت مقابله با این چالش‌ها از منظر اسلام است.

تأکید قرآن بر «و لا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، چنانکه مفسران به روشنی بیان کرده‌اند، نه تنها حرمت شدید هرگونه تعدی و تصرف ناروا در مال یتیم را گوشزد می‌کند،^{۶۴} بلکه به طور کلی بر لزوم حمایت همه‌جانبه از حقوق اقتصادی تمامی افراد فاقد سرپرست یا توانایی دفاع از منافع خود تأکید می‌کند. برخی نیز «التي هي احسن» را به معنای رشد دادن و سرمایه‌گذاری در مال یتیم به قصد سودآوری برای او تفسیر می‌کند.^{۶۵} این اصل اخلاقی - حقوقی در تقابل آشکار با فرهنگ رایج استثمار و نادیده گرفتن حقوق ضعفا در بسیاری از مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر قرار می‌گیرد.

این نگاه حمایتی قرآن به یتیم در جایگاه ضعیف‌ترین حلقه اقتصادی-اجتماعی، قابلیت تعمیم به اصل تمدنی گسترده‌تر را دارد. در جهان امروز، این وصیت می‌تواند مبنای قرآنی برای «عدالت توزیعی» و لزوم استقرار نظام‌های «رفاه اجتماعی» قرار گیرد. همانطور که ولی جامعه در برابر مال یتیم مسئول است تا آن را به «احسن» وجه رشد دهد،^{۶۶} حکومت اسلامی نیز در برابر تأمین نیازهای اساسی دیگر اقشار آسیب‌پذیر مانند فقرا، سالمندان و معلولان مسئولیت دارد. بی‌توجهی به «عدالت تحصیلی» و ایجاد شکاف طبقاتی در آموزش، مصداق بارز تضییع حق رشد و «احسن» شدن فرصت‌ها برای فرزندان خانواده‌های کم‌برخوردار است و با روح کلی این وصیت که بر حمایت همه‌جانبه از افراد ناتوان تأکید دارد در تضاد است.

همچنین، فرمان الهی به «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ»، که در تفاسیری به عنوان اصلی بنیادین برای مقابله با هرگونه تطفیف، کم‌فروشی و فریبکاری و در نتیجه، ایجاد اعتماد و سلامت در معاملات تفسیر شده است،^{۶۷} هشدار جدی نسبت به هرگونه عدم شفافیت، بی‌انصافی و اجحاف در مبادلات اقتصادی است. این امر با توجه به پیچیدگی‌های روزافزون

۶۴. جصاص، احکام القرآن، ۴: ۱۹۶؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز، ۲: ۳۶۲-۳۶۳؛ و فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۱۳: ۱۷۹.

۶۵. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، جلد ۱ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق)، ۵۹۶.

۶۶. طبری، جامع البیان، ۸: ۶۲ (به نقل از مجاهد و سدی)؛ محمد بن حسن طوسی، التنبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۴ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا)، ۳۱۸.

۶۷. رضا، المنار، ۸: ۱۹۰-۱۹۱؛ حقی برسوی، روح البیان، ۳: ۱۱۹؛ و قاسمی، محاسن التاویل، ۴: ۵۳۸.

قرانت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده‌یامچی و شعیب ۲۵۳

بازارهای مالی و تجاری امروز و امکان سوء استفاده‌های گسترده و پنهان، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. این فرمان الهی به شفافیت در مبادلات در دنیای معاصر ابعادی بسیار گسترده‌تر از کم‌فروشی سنتی پیدا می‌کند. مصادیق امروزی «تطفیف» و عدم «ایفاء کیل و میزان بالقسط» را می‌توان در انواع «فساد مالی و اقتصادی» مشاهده کرد. جرائمی مانند رانت‌خواری، اختلاس، دستکاری در بازارهای بورس، فرار مالیاتی گسترده و تولید محصولات بی کیفیت با هدف سود بیشتر، همگی اشکال نوینی از تضییع حقوق عمومی و «بخس الناس اشیاءهم» هستند. همانطور که مفسران «قسط» را به معنای عدل و انصاف کامل تفسیر کرده‌اند،^{۶۸} هر سازوکاری که این انصاف را در سطح کلان اقتصادی خدشه‌دار کند، مشمول این نهی الهی قرار می‌گیرد و مقابله با آن از مصادیق عمل به این وصیت است. مراغی نیز بر این نکته تأکید می‌کند که ایفاء کیل و میزان باید از هر دو طرف معامله و با رضایت کامل و بدون هیچ‌گونه اجبار یا فریبی صورت گیرد.^{۶۹}

در حوزه عدالت قضایی نیز، وصیت «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» که مفسرانی گستره آن را شامل همه اقوال و اظهارنظرهایی دانسته‌اند که می‌تواند در حقوق دیگران تأثیرگذار باشد (از جمله شهادت در محاکم، قضاوت و داوری و حتی ارائه مشورت و تلاش برای اصلاح ذات‌البین)،^{۷۰} پاسخی بنیادین به بحران اعتماد در نظام‌های حقوقی و معضل تأثیرگذاری روابط و منافع شخصی و گروهی در فرایند دادرسی و اجرای عدالت است که این عدالت در قول، باید کاملاً فارغ از هرگونه تأثیرپذیری از عواطف، احساسات و انفعالات شخصی و گروهی باشد.^{۷۱}

۳-۲-۳. ارائه الگوهای قرآنی برای شفافیت و انصاف از دیدگاه تفاسیر

بازخوانی دقیق این وصایای الهی در پرتو انوار تفاسیر اسلامی، الگوهای عملی و کاربردی ارزشمندی را برای استقرار عدالت اقتصادی و قضایی در جامعه ارائه می‌دهد:

مفهوم «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» در تصرف در مال یتیم، که در تفاسیر به معنای حفظ، رشد، تأمین بهترین مصلحت برای یتیم و حتی تجارت و سرمایه‌گذاری با مال او برای افزایش آن

۶۸. طبری، جامع‌البیان، ۸: ۶۳ (به نقل از مجاهد)؛ و طبرسی، مجمع‌البیان، ۴: ۵۹۳.

۶۹. مراغی، تفسیر‌المراغی، ۸: ۷۰.

۷۰. طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۶-۳۷۷؛ مراغی، تفسیر‌المراغی، ۸: ۷۱؛ و محمدبن محمد ابن عرفه، تفسیر ابن عرفه،

جلد ۲ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۸م)، ۲۰۱.

۷۱. فضل‌الله، من وحی القرآن، ۹: ۳۷۵-۳۷۶.

تفسیر شده است،^{۷۲} می‌تواند به منزله الگویی کلی و جامع برای مدیریت اموال عمومی، وجوه وقفی و به‌طور کلی دارایی‌های افرادی که به هر دلیل توانایی اداره مستقل امور مالی خود را ندارند، مورد توجه و عمل قرار گیرد. این الگو بر اصول بنیادینی چون امانت‌داری، شفافیت کامل، پاسخگویی و اولویت‌بخشی مطلق به منافع صاحبان حقیقی حق تأکید می‌کند.

فرمان به ایفاء کیل و میزان «بِالْقِسْطِ»، فراتر از دستوری ساده برای پرهیز از کم‌فروشی در معاملات روزمره، دعوتی است به ایجاد و استقرار نظامی اقتصادی مبتنی بر عدالت، شفافیت، انصاف و اعتماد متقابل. این اصل، چنانکه در تفاسیر معتبر اسلامی نیز به تفصیل بیان شده است،^{۷۳} مستلزم رعایت دقیق حقوق تمامی طرفین معامله و پرهیز از هرگونه فریب، نیرنگ، احتکار و استغلال است. عبارت «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» نیز ضمن تأکید بر لزوم تلاش برای دقت و اتقان، واقع‌بینی و سهولت شریعت اسلامی و عدم تکلیف به امور حرجی و طاقت‌فرسا را نشان می‌دهد و اینکه خداوند متعال از نیت قلبی و میزان تلاش افراد آگاه است.^{۷۴}

وصیت الهی به «عَدَلٌ در قول حتی اگر علیه نزدیکان و خویشاوندان باشد»، اصلی بنیادین و خدشه‌ناپذیر برای اصلاح نظام قضایی و تضمین کامل حقوق تمامی افراد جامعه، صرف‌نظر از جایگاه اجتماعی یا نسبت خانوادگی آنهاست. این الگو که در تفاسیر به تفصیل مورد تأکید و شرح قرار گرفته است^{۷۵} بر لزوم بی‌طرفی کامل شاهد و قاضی و اولویت‌بخشی به حقیقت و عدالت بر همه ملاحظات شخصی، عاطفی، خانوادگی یا اجتماعی تأکید دارد. اجرای دقیق و همه‌جانبه این اصل می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی به نظام قضایی و کاهش چشمگیر ظلم و بی‌عدالتی‌ها در جامعه منجر شود.

در نتیجه، این دسته از وصایای عشر با ارائه الگوهای عملی و مبتنی بر اصول اخلاقی و معنوی، راهکارهای بنیادینی برای مقابله با فساد، تضییع حقوق و بی‌عدالتی در حوزه‌های حساس اقتصادی و قضایی ارائه می‌دهند و بر لزوم ایجاد و تقویت جامعه‌ای مبتنی بر شفافیت، انصاف، مسئولیت‌پذیری و حق‌محوری تأکید می‌کنند.

۷۲. برای نمونه، مجاهد (قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۴، و همچنین طبری، جامع‌البیان، ۸: ۶۲)؛ و ضحاک و سدی (طبرسی، مجمع‌البیان، ۴: ۵۹۳).

۷۳. قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۶؛ و رضا، المنار، ۸: ۱۹۰.

۷۴. رضا، المنار، ۸: ۱۹۱؛ طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۶؛ و زحیلی، التفسیر المنیر، ۸: ۹۹.

۷۵. قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۷؛ طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۶-۳۷۷؛ و قاسمی، محاسن التاویل، ۴: ۵۳۹.

قرائت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده‌یامچی و شعیب ۲۵۵

۳-۴. ارتقای فرهنگ تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق وفای به عهدالله

تعهد و مسئولیت‌پذیری، از ارکان اساسی پایداری و سلامت هر جامعه‌ای به شمار می‌روند. وصیت قرآنی به «وفای به عهدالله»، راهکاری بنیادین برای ارتقای این فرهنگ و مقابله با بحران‌های ناشی از نقض تعهدات در جهان معاصر ارائه می‌دهد.

۳-۴-۱. بررسی بحران مسئولیت‌گریزی و نقض تعهدات در جامعه معاصر

جامعه معاصر در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و بین‌المللی با بحران مسئولیت‌گریزی و تضعیف فرهنگ پایبندی به تعهدات مواجه است. این امر از بی‌توجهی به پیمان‌های ساده تا نقض قراردادهای اجتماعی و عهد بین‌المللی، قابل مشاهده است و پیامدهایی چون کاهش اعتماد عمومی، تزلزل در روابط و گسترش بی‌ثباتی را در پی دارد. هشدارهای قرآن کریم در مورد اهمیت وفای به عهد، که در تفاسیر مورد تأکید است، نشان‌دهنده حساسیت این موضوع در نظام ارزشی اسلام است.

۳-۴-۲. تبیین نقش وفای به عهدالله در بازسازی اعتماد عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی

وصیت «و بَعَثَ اللَّهُ أَوْفُوا»، چنانکه مفسران بیان کرده‌اند، دارای معنایی وسیع و چندلایه است.^{۷۶} «عهدالله» می‌تواند شامل پیمان فطری و عقلی انسان با خداوند (توحید و عبودیت، نظیر یس، آیه ۶۰)، تعهدات دینی و شرعی (انجام اوامر و ترک نواهی، که برخی آن را از مصادیق عهدالله می‌دانند)، نذورات و سوگندهایی که فرد با خداوند می‌بندد و همچنین تمامی عهد و پیمان‌های مشروعی باشد که انسان‌ها با یکدیگر منعقد می‌کنند و خداوند به حفظ آنها امر فرموده است.^{۷۷}

از منظر تفاسیر، تأکید بر «وفای به عهدالله» در این معنای گسترده، نقش بنیادینی در بازسازی اعتماد عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی ایفا می‌کند:

وفای به عهد در تمامی سطوح، بیانگر صداقت، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری است. جامعه‌ای که اعضای آن به تعهدات خود، چه در برابر خدا و چه در برابر یکدیگر، پایبند باشند

۷۶. طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۷؛ رضا، المنار، ۸: ۱۹۲؛ فضل‌الله، من وحی القرآن، ۹: ۳۷۶-۳۷۷؛ و آلوسی، روح المعانی، ۴: ۲۹۹.

۷۷. این گستره معنایی از «عهدالله» در تفاسیر مختلفی چون المیزان، ۷: ۳۷۷، المنار، ۸: ۱۹۲ و مراغی، تفسیر المراغی، ۸: ۷۱-۷۲ مورد بحث قرار گرفته است. همچنین احمدبن علی جصاص، احکام القرآن، ۴: ۱۹۷، و قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۷، به عام بودن این عهد اشاره دارند. زحیلی، التفسیر المنیر، ۸: ۱۰۰ نیز به انواع عهدالله اشاره می‌کند.

از سلامت اخلاقی بیشتری برخوردار خواهد بود. چنانکه در برخی تفاسیر اشاره شده است، این وصیت شامل همه پیمان‌های مشروع بین انسان‌هاست.^{۷۸}

پایبندی به عهد، اساس ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. عمل به تعهدات، اعتماد متقابل را افزایش می‌دهد و امکان همکاری‌های سازنده و بلندمدت را فراهم می‌کند. این امر در دنیای پیچیده امروز که نیازمند همکاری‌های گسترده است، اهمیت زیادی دارد.

تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی: وفای به عهد به مثابه ارزشی مشترک، می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی کمک کند و احساس پایبندی دیگران به تعهدات، تعلق و پیوند اجتماعی را افزایش می‌دهد.

نقض عهد، که در تفاسیر نشانه‌ای از نفاق و فساد اخلاقی است، منجر به بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی می‌شود.^{۷۹} تأکید قرآن بر وفای به عهد، هشدار می‌دهد که نسبت به پیامدهای ویرانگر پیمان‌شکنی است.

بنابراین، احیای مفهوم «وفای به عهدالله» در معنای وسیع آن، می‌تواند به عنوان راهکاری قرآنی به ارتقای فرهنگ تعهد و مسئولیت‌پذیری در جامعه معاصر، بازسازی اعتماد عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی منجر شود.

۳-۵. صراط مستقیم در برابر سُبل تفرقه: راهکاری قرآنی برای وحدت و همگرایی در دنیای متکثر و پرچالش امروز

وصیت پایانی این مجموعه، یعنی التزام به «صراط مستقیم» و پرهیز از «سبل» انحرافی، راهکاری بنیادین برای تحقق وحدت و همگرایی در جوامع انسانی به‌ویژه در دنیای متکثر و پرچالش امروز، ارائه می‌دهد.

۳-۵-۱. تحلیل عوامل و پیامدهای تفرقه‌های ایدئولوژیک، مذهبی و سیاسی در جهان معاصر

جهان معاصر، عرصه بروز انواع تفرقه‌های ایدئولوژیک، مذهبی و سیاسی است. این تفرقه‌ها

۷۸. مراغی، تفسیر المراغی، ۸: ۷۱-۷۲؛ و محمودبن عمر زمخشری، الکشاف، جلد ۲ (بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق)، ۷۹-۸۰.

۷۹. رضا، المنار، ۸: ۱۹۲-۱۹۳ (اشاره به حدیث نبوی)؛ و محمد صادقی تهرانی، الفرقان، جلد ۱۰ (قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق)، ۳۳۶.

قرائت تمدنی از وصایای عشر در مواجهه با فروپاشی ... / ملازاده‌یامچی و شعیب ۲۵۷

که ریشه در عواملی چون جهل، تعصب، منافع گروهی و پیروی از اهواء نفسانی دارند (چنانکه در برخی تفاسیر به نقش اصحاب اهواء و بدع در ایجاد تفرقه اشاره شده است)،^{۸۰} پیامدهای زیانباری همچون درگیری‌های خشونت‌آمیز، بی‌ثباتی اجتماعی و مانع‌تراشی در مسیر پیشرفت جوامع را به دنبال داشته‌اند. هشدار قرآن کریم در مورد پیروی از «سبل» متفرقه، نشان‌دهنده حساسیت اسلام نسبت به این پدیده مخرب است.

۳-۵-۲. بررسی دیدگاه تفاسیر در مورد نقش پیروی از صراط مستقیم در تحقق انسجام اجتماعی و پرهیز از مسیرهای واگرایانه و افراطی

وصیت «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»، چنانکه در تفاسیر مختلف مورد تأکید قرار گرفته است، دعوتی است به التزام به راه واحد و روشن الهی و پرهیز از همه مسیرهای انحرافی که منجر به تفرقه و گمراهی می‌شوند.^{۸۱}

مفسران، «صراط مستقیم» را به دین اسلام، شریعت الهی، مجموع وصایای پیشین و حتی به تعبیر برخی روایات شیعی به ولایت امامان معصوم تفسیر کرده‌اند.^{۸۲} این راه واحد با ارائه اصولی جهان‌شمول و مبتنی بر فطرت و عقل، می‌تواند محور وحدت و همگرایی تمامی انسان‌ها قرار گیرد.

در مقابل، «سبل» یا راه‌های زیاد و پراکنده، نمادی از بدعت‌ها، اهواء نفسانی، ادیان تحریف‌شده و هرگونه ایدئولوژی یا مسیری است که انسان را از حق دور می‌کند و به تفرقه می‌کشاند. برخی سبل را طرق ضلالتی می‌دانند که در آنها حرام‌ها حلال شمرده می‌شوند؛^{۸۳} برخی نیز آن را به بدع و شبهات تفسیر کرده است.^{۸۴} روایت مشهور نبوی که در آن پیامبر (ص) با ترسیم خطی مستقیم و خطوطی متعدد در اطراف آن، این مفهوم را تبیین فرموده‌اند در بسیاری از تفاسیر مورد استناد قرار گرفته است و بر یگانگی راه حق و کثرت راه‌های باطل

۸۰. سهل بن عبدالله تستری، تفسیر التستری (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق)، ۶۳.

۸۱. رضا، المنار، ۸: ۱۹۴-۱۹۵؛ قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۷؛ طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۷-۳۷۸؛ و قاسمی، محاسن التاویل، ۴: ۵۳۹-۵۴۰.

۸۲. قرطبی، الجامع، ۷: ۱۳۷؛ طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۷؛ و هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان، جلد ۲ (قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق)، ۴۹۸-۴۹۹.

۸۳. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، جلد ۱ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق)، ۵۹۶.

۸۴. طبری، جامع البیان، ۸: ۶۴-۶۵ (به نقل از مجاهد)؛ این دیدگاه در تفسیر ابن کثیر نیز (به نقل از قاسمی، محاسن التاویل، ۴: ۵۴۰) آمده است.

تأکید دارد.^{۸۵}

قرآن کریم به صراحت بیان می‌کند که نتیجه پیروی از «سبیل» متفرقه، «فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» یعنی پراکندگی و دور شدن از راه خداوند است. این تفرقه، نه تنها در سطح اعتقادی و فکری، بلکه در سطح عملی و اجتماعی نیز بروز می‌یابد و منجر به ضعف جوامع می‌شود. طباطبایی این آیه را نهی از تفرق در دین می‌داند و برخی آن را امر به جماعت و نهی از اختلاف تفسیر کرده است.^{۸۶}

دعوت به پیروی از «صراط مستقیم» و پرهیز از «سبیل» در حقیقت، دعوتی است به التزام به اصول و ارزش‌های بنیادین دینی و انسانی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط یا تعصبات کورکورانه‌ای که منجر به واگرایی می‌شود. این اصل، می‌تواند به‌منزله راهکاری قرآنی برای مدیریت تکثر در جوامع معاصر و حرکت به‌سوی همگرایی بر اساس مشترکات، مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین، وصیت به پیروی از «صراط مستقیم» و اجتناب از «سبیل» تفرقه، راهکاری بنیادین برای تحقق وحدت و انسجام اجتماعی در دنیای متکثر امروز ارائه می‌دهد و بر لزوم پایبندی به اصول مشترک الهی و انسانی به‌منزله محور همگرایی و پرهیز از مسیرهای انحرافی و تفرقه‌افکن تأکید می‌کند.

۸۵. قرطبی، الجامع البیان، ۷: ۱۳۷-۱۳۸؛ رضا، المنار، ۸: ۱۹۵؛ این روایت در تفاسیر دیگری چون جامع البیان، ۸: ۶۵، المحرر الوجیز، ۲: ۳۶۴، والفرقان، ۱۰: ۳۴۰ نیز با اسانید مختلف نقل شده است.
۸۶. طباطبایی، المیزان، ۷: ۳۷۷-۳۷۸؛ طبری، جامع البیان، ۸: ۶۵ (به نقل از ابن عباس).

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، وصایای عشر (انعام، آیات ۱۵۱-۱۵۳) را با رویکردی تحلیلی و با اتکا بر دیدگاه‌های تفسیری به منظور تبیین ظرفیت‌های کاربردی آنها در مواجهه با بحران‌های اخلاقی و چالش‌های عدالت اجتماعی معاصر بازخوانی می‌کند. این آیات که به «آیات محکمت» نیز شهرت دارند، مجموعه‌ای از اصول بنیادین اخلاقی و اجتماعی را در چهارچوب توحید الهی ارائه می‌دهند و بر اهمیت، رحمانیت و سازگاری آنها با عقل و فطرت تأکید شده است.

تحلیل تفاسیر، انسجام نظام‌مند وصایای عشر را آشکار می‌کند که از توحید آغاز و ابعاد گوناگون حیات فردی و اجتماعی مانند روابط خانوادگی، طهارت اخلاقی، حفظ نفس، مناسبات اقتصادی و عدالت قضایی را پوشش می‌دهد. دسته اول این وصایا (نفسی شرک، احسان به والدین، منع قتل اولاد، اجتناب از فواحش، حرمت قتل نفس) بر تکریم و حفظ حیات انسانی متمرکز است و به مشکلاتی نظیر بحران خانواده، انحرافات اخلاقی و فردگرایی پاسخ می‌دهد. دسته دوم (حفظ مال یتیم، ایفای کیل و میزان، عدالت در گفتار، وفای به عهد الهی) بر اصول عدالت و اعتماد در روابط اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد و راهکارهایی برای مقابله با فساد و تضییع حقوق ارائه می‌دهد.

وصیت پایانی، یعنی پیروی از «صراط مستقیم» و پرهیز از «سُئِل»، چهارچوبی وحدت‌بخش برای تحقق انسجام اجتماعی و اجتناب از تفرقه است. همچنین، تنوع تعبیر پایانی آیات («لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»، «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ») از دیدگاه مفسران، نشانگر مراحل سه‌گانه تعقل، تذکر و تقوا در فهم و التزام به این وصایا است.

نتیجه آنکه، وصایای عشر با پشتوانه مبانی توحیدی و غنای تفسیری، منشوری جامع و عملی برای مقابله با بحران‌های اخلاقی و معضلات عدالت اجتماعی در جهان امروز ارائه می‌دهند و بازگشت به این اصول بنیادین، ضرورتی انکارناپذیر برای نیل به جامعه‌ای متعالی است.

سیاهه منابع

الف- منابع عربی:

قرآن کریم.

آلوسی، محمود بن عبدالله. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

ابن عاشور، محمد طاهر. تفسیر التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.

ابن عرفه، محمد بن محمد. تفسیر ابن عرفه. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۸م.

ابن عطیه، عبدالرحمن بن محمد. المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.

بحرانی، هاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق.

برسوی، اسماعیل بن مصطفی حقی. تفسیر روح البیان. بیروت: دارالفکر، [بی تا].

جصاص، احمد بن علی. احکام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.

رضا، محمد رشید. المنار. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.

زحیلی، وهبه. التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج. دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۱ق.

زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.

شبراوی، محمد متولی. تفسیر الشعراوی. بیروت: اخبار الیوم، ۱۹۹۱م.

صادقی تهرانی، محمد. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه. قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.

طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

طبری، محمد بن جریر. جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

فضل الله، محمد حسین. من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ق.

فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

قاسمی، محمد جمال الدین. محاسن التاویل. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.

قرطبی، محمد بن احمد. الجامع لاحکام القرآن. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.

شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم. فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۵ق.

مراغی، احمد مصطفی. تفسیر المراغی. بیروت: دارالفکر، [بی تا].

مکارم شیرازی، ناصر. الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)،

۱۴۲۱ق.

مغنیه، محمد جواد. التفسیر الکاشف. قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ق.

تستری، سهل بن عبدالله. تفسیر التستری. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق.